

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

متأسفانه ما همه‌ی اصطلاحات گذشته‌ی خودمان را یادمان رفته و فقط اصطلاحات جدید را می‌دانیم. مثلاً در قدیم می‌گفتند رستم‌زاد، چون مادر رستم که حامله بود، برایش خطر داشت، سیم‌رغ به کمکش آمد و جراحی کرد و با سزارین بچه را به دنیا آورد. حالا ما اصلاً لغت رستم‌زاد را نداریم، ولی همه جا می‌گوییم سزارین. نه تنها لغت از یادمان رفته، خودش هم یادمان رفته، یعنی الان لفظ رستم‌زاد تقریباً وجود ندارد ولی رستم‌زاد زیاد است، لغتش نیست، لغتش فرنگی است به آن سزارین می‌گویند. حالا خیلی از اینطور چیزها هست، مثلاً هر گروهی، هر دسته‌ی سیاسی را می‌گویند مانیفست‌شان چیست؟ یعنی آن برنامه‌ی اولیه‌شان، ولی ما همین لغت را داشتیم: منشور می‌گفتیم، مثلاً منشور کوروش، یعنی در واقع برنامه‌ی فرهنگی کوروش. در عالم فقر و درویشی، یک منشورش همین اذان و اقامه‌ای است که به گوش طفل نوزاد می‌خوانیم، اساس همین است: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ اگر خداوند به تو تفضلی بیشتر کرد، أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ را هم می‌گوییم. منشور بعدی که می‌خواهید به عالم درویشی وارد بشوید، همان ذکر است که منشور شخصی شماست، آن هم همان معانی، معنی اولیه‌ی آن عبارات است منتها این دفعه با میخ و چکش به قلبتان می‌کوبید که قلبتان جز به یاد خدا و جز با ذکری که به شما دادند، حرکت نکند و اما منشور سوّم برای درویش‌ها که حالا حرف من در آن است، بیعتی است که می‌گیرند. آیه‌ی قرآن است، البتّه خطابش در مورد پیغمبر که: **إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ** (فتح، ۱۰) آنهايي که با تو بیعت می‌کنند، با خدا بیعت می‌کنند، دست خدا بالای همه‌ی اینهاست. این منشور سوّم است. در این بیعت، شرط اول، اطاعت و تسلیم در برابر اوامر الهی یعنی اوامر تکلیفی، اوامری که دیکته می‌شود، ظاهر است، و مهمترین اینها برحسب هر زمانی گفته می‌شود. در دوران امروز که بسیار علوم جدیدی آمده، اینها اگر علم باشد، به‌وجود آمدن ندارد، از اول خلقت بوده، منتها خدا به ما گفته کم‌کم جلو بروید و همه‌ی این علوم را کشف کنید، بفهمید. ولی ما یک گروهمان گاهی اوقات اشتباه می‌کند یعنی آنچنان غرق در گذشته می‌شود که حال را فراموش می‌کند و یک گروهی به‌عکس چنان غرق در حال می‌شود که گذشته را فراموش می‌کند، حالا از این بگذریم (معذرت می‌خواهم که حرف‌های من متن و حاشیه‌اش از هم جدا نیست. حالا شما می‌خواهید حاشیه حساب کنید می‌خواهید متن).

البتّه خداوند در بین موجودات حیوانات را آفریده و تعادل حیاتی بر آنها حاکم کرده، از یک حدّی نمی‌شود تعداد مثلاً ببر و شیر و اینها، زیادت‌ر باشند، از یک حدّی هم نمی‌تواند پائین‌تر باشد. چه کسی کنترل می‌کند؟ این حیواناتی که خوراک آنها هستند. درست است که گوسفند و گاو و گوزن،

شکار حیوانات می‌شوند، غذایشان است. ولی یک وظیفه‌ی دیگری که خدا به آنها داده، کنترل غذاهاست. هر وقت عده‌شان زیاد شد شیرها هم زیاد می‌شوند، پلنگها زیاد می‌شوند، غذای فراوان دارند می‌خورند. اینها را کم می‌کنند، کم که کردند، خودشان هم کم می‌شوند چون دیگر غذا ندارند.

شیر زردآلو نمی‌خورد، اگر هلوی پوست‌کنده بگذارید، نمی‌خورد. ولی یک موش را می‌خورد. اما بشر نه، انسان همه چیز می‌خورد، گیاه می‌خورد، میوه می‌خورد، گوشت می‌خورد، خداوند گفته‌است که **إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً** (بقره، ۳۰) من جانشین، نایب، در زمین قرار می‌دهم. پس باید فکر بکنیم چه مقداری از منوب‌عنه، اختیارات دارد؟ یعنی تو را که خداوند خلیفه و جانشین در زمین قرار داده، چه اختیاراتی و چه وظایفی برای تو قرار داده؟ خیلی از تنظیماتی را که در مورد حیوانات گفتیم خداوند برقرار می‌کند که همه‌ی جانداران به این اندازه باشند، مگر اینکه تصمیم بگیرد جانداری را از کره‌ی زمین محو کند، مثل دایناسورها آنطور از بین‌شان می‌برد، یا به تدریج تعدادشان را کم می‌کند تا از بین بروند. ولی همه‌ی این وظایف را خداوند تقریباً به انسان سپرده، انسان دخالت می‌کند. انسان نگذاشته که نسل گوسفند، میش از بین برود و الا اگر بشر نباشد، گوسفند، میش و... باقی نمی‌ماند. اما امروز تعداد گوسفند در دنیا، در تحت سیطره‌ی بشر خیلی فراوان است. اگر هم یک گوسفندداری نخواست گوسفندهایش زیاد بشوند، نر و ماده‌شان را از هم جدا نگه‌می‌دارد و همه را می‌کشد می‌خورد. اگر بخواهد زیاد بشوند هم می‌تواند ولی آنقدری که قدرت دارد، البته نمی‌تواند نسل را، نطفه را، عوض کند. حالا این خلیفه‌ی الهی برای خودش چه کار کرده؟ نسل خودش را چه کار می‌کند؟ می‌بینید چه کار می‌کند. هر چند وقتی جنگی می‌شود، جنگ‌های بین‌الملل اول، بین‌الملل دوم و... به اندازه‌ی کافی که خدا راضی باشد از بین نمی‌روند برای اینکه به این خلیفه‌ی خودش عقل داده است. با عقلش می‌بیند که این دو گروهی که با هم بد بودیم و هر دو از یک مأخذیم، باید مشکلات را حل کنیم، با هم باشیم، این است که کشتار را از بین می‌برد، این کار را می‌کند. این مورد رضایت خداوند هم واقع می‌شود. ولی خداوند کار خودش را طور دیگری می‌کند، سونامی می‌فرستد، زلزله‌ی ژاپن می‌فرستد، چقدر کشته شدند؟! اینها را هم می‌فرستد. می‌گوید: آقا! من تو را خلیفه قرار دادم، اینطوری یک موج دریا تو را از بین برده چرا نمی‌روی فکر کنی چرا اینطوری شده؟ همه‌ی دانشگاه‌ها را برمی‌انگیزد که بروند دنبال اینکه مشکل چیست؟ این را کشف می‌کنند که مثلاً چرا اینطوری شده است. همه‌ی دعاوی برای اینها این است که تعداد نسل بشر را کنترل کند.

در این زمینه، از جنبه‌ی جسمی، تولید مثل بشر هم مانند همه‌ی دیگر پستانداران، همانطوری است و همان قواعد را دارند، اما ما که از روان‌جانداران دیگر خبر نداریم، شیر چطور فکر می‌کند؟ گوسفند چطور فکر می‌کند؟ بره چطور؟ ولی از خودمان که خبر داریم. برای اینکه در مورد این تله و این به‌اصطلاح چاهی که جلوی بشر آفریده می‌شود، بعضی‌ها نگوئیم مثلاً پس چرا اینطوری است؟ بزرگان ما چیزهایی گفته‌اند. مهمترین مسأله‌اش مسأله‌ی رعایت محرم و نامحرم بین مرد و زن است، که این امر را تحت کنترلی قرار داده و می‌گوید که از این کنترل خارج نشوید برای

اینکه راهش، از همان قدم اولش لیز است. اگر قدم گذاشتید، لیز می‌خورید، به همین جهت به همه سفارش کرده است که از تماس دست و تماس با نامحرم خودداری کنید. این را گناهی شمردند، خود این بالنفسه گناه است، نه اینکه گناهی که آن آخر ممکن است به آن منجر شود، خود این یک گناه است، منتها گناهش سبکتر است. هر چه برود جلو، گناه غلیظتر می‌شود. البته این را من بارها گفته‌ام آقای سلطان‌علیشاه فرموده‌اند: دینی را به مویی نبسته‌اند ولی حالا نمی‌دانم خود ایشان فرموده‌اند یا بعد آقای نورعلیشاه توضیح داده‌اند و فرموده‌اند: ولی آن درویشی که نتواند یک مو را حفظ کند یا رعایت کند، اصلاً درویشی‌اش ناقص است، نه اینکه واجب باشد.

بنابراین همانطوری که دیدیم در اخذ بیعت نه تنها رأس این تعهدات که رعایت احکام شریعت است و رعایت محرم و نامحرم است، مؤکداً ذکر شده، بلکه عمل آقایان مشایخ و خود من هم در مورد تشرّف خانم‌ها همینطور است. البته همانطوری که گفتم، دینی را به مویی نبستند، بله! ولی آن کسی که نمونه بخواهد بگیرد، از یک مو نمونه می‌گیرد، اگر ما مسلمان‌ها بگوییم مثلاً که در اسلام نباید مو دیده شود، یکی که با اسلام مخالف است اگر دید که مسلمانی یک تار مویش دیده می‌شود، ایراد می‌گیرد و می‌گوید: تو چطور مسلمانی هستی؟ بنابراین این قسمت هم، در بیعت ذکر شده، در تعهداتی که شده و حتی در مصافحه هست، چون در مصافحه که یادآوری بیعت الهی است، در آنجا محرم و نامحرم نیست، همه‌ی پیروان ولایت به ولایت محرمند، ولی با این حال محرم و نامحرم دقیقاً باید رعایت بشود. البته این خطا را از افراد عادی، ان‌شاءالله خدا می‌بخشد. اما مسلماً هرچه مسئولیت شخص، بالاتر باشد، تکلیفش هم بالاتر می‌رود. ولی این دستوری است که برای همه هست و بسیاری مفاسدی که امروز وجود دارد از عدم رعایت این دستور است. همه‌ی دستورات به جای خودش، منتها در هر زمانی، به مناسبت وضعیت اجتماعی، یک دستور شدیدتر می‌شود. ان‌شاءالله خداوند به همه‌ی ما توفیق بدهد که بتوانیم آن را رعایت کنیم. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح پنج‌شنبه، ۱۳۹۰/۳/۱۹)



از همه‌ی شما معذرت می‌خواهم، یک خرده کسل هستم، البته من سعی می‌کنم که اگر کسل باشم، چون اصلاً به شما ربطی ندارد، خدای نکرده شما ناراحت نشوید. این است که سعی می‌کنم برنامه‌ای که روزها هست انجام بشود منتها کم، بنابراین اگر یا حرف نمی‌زنم یا حرف بیخود می‌زنم یا اینکه شما را معطل می‌کنم، ببخشید. من الان اصلاً شاید به خاطر دعا‌های شما ماندم. البته هنوز از ۱۲۱ سال خیلی مانده، منتها شما ناقص دعا کردید، ولی ان‌شاءالله خدا کامل کند، ۱۲۱ سال بدون چشم و گوش و اینها که نمی‌شود. اینقدر هم هوا آلوده است، البته برای همه هست، منتها نسل جوان بدنش آماده است برای اینکه عادات جدیدی بپذیرد و در محیط جدیدی نفس بکشد ولی کسی که مُسن است، نه! ما عادت کردیم، ما در ده بزرگ شدیم، گویانکه قسمت اعظم تحصیلات من همینجا بوده، ولی در ده بزرگ شدیم، آن هوای سالم که وقتی به پشت می‌خوابیدیم، ستاره‌های آسمان آنقدر ما را مشغول می‌کرد که خواب یادمان می‌رفت، خیلی زیبا، هوای سالم، آب سالم. البته حالا می‌گویند:

آب فلان روستا را لوله کشی کردیم، ما آب سالم داشتیم، لوله کشی نداشت و محتاج به لوله کشی هم نبود. لوله کشی آن همین لوله های آسمانی بود که باران می بارید و در آب انبارها نگه می داشتیم و خیلی هم بود. غذای سالم بود، من یادم می آید بچه بودیم، یک تگه نان، نان تافتون گناباد، می خوردیم و بازی می کردیم، همین شام ما بود. با آن هوا و با آن محیط بزرگ شدیم و با آن آدم ها، مهم تر از همه با آن آدم ها، حالا نمی توانیم اینطوری عادت کنیم. ولی شما عادت کنید، شماها ان شاء الله همه جوان هستید. من نمی گویم عادت کنید چون خدا اینطوری خواسته باید عادت کنید. دنیا همین است، هوا همین است که فعلاً برای ما مقدّر شده است. من یادم می آید ماها که بچه بودیم و رجه و ووجه داشتیم ولی پیرمردها حالا دیگر اصلاً به زحمت نفس می کشند دیگر چه رسد به... ولی آنوقت ها سیزده بدر که می رفتیم به در، بیشتر پیرمردهای اقوام ما هم می آمدند در مسابقه ی پله (به قول ما پله می گویم) می پریدند. حالا شاید خداوند اینطور خواسته، خداوند خواسته که موجبات آسایش بدن ما فراهم نباشد. ولی سعی کنیم ان شاء الله در همین بدنی که آسایش آن فراهم نیست، روحی داشته باشیم که اصلاً به این چیزها بی اعتنا باشد. ولی بی اعتنا نه اینکه بگوییم، حالا که می خواهیم بی اعتنا باشیم پس همینطور در روی زمین مثلاً بیخود چراغ روشن کنیم، بیخود ماشین برانیم، نه! درصدد رفع گرفتاری ها باشیم، ولی در گرفتاری باز هم شکر خدا کنیم و فکر کنیم که خداوند همه رقم گرفتاری را برای تربیت ما یا امتحان ما آفریده و بنابراین با کمال میل به این جلسه ی امتحان برویم. این امتحانی است که ما نباید از ممتحن مان خجالت بکشیم. خداوند امتحان می کند و خودش نتیجه را می داند ولی برای اینکه خود ما هم بفهمیم، ما را هم امتحان می کند. این است که باید بدون ترس و نگرانی باشیم. حالا ترس از چه هست؟ اگر از چیزی ترس داشته باشیم باید بتوانیم به یک امر دیگری متوسّل بشویم، ترس از رحمت خدا و امتحان خدا مانعی ندارد، برای اینکه غیر از خدا به که متوسّل بشویم؟ ان شاء الله خدا پنج روزی که می خواهد ما را اینجا نگه دارد، خوب نگه دارد. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح جمعه، ۱۳۹۰/۴/۱۰)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نور علی تابنده (محبوب علی شاه) شامل جزوات گفتارهای عرفانی (بیانات جلدات صبح) / شرح رساله شریفه پندصالح (تلفیق دو دوره آغاز شده در سال های ۱۳۷۶ و ۱۳۸۶ / شرح فریاشات حضرت سجاد علیه السلام (شرح رساله حقوق) / شرح فریاشات حضرت صادق علیه السلام (تفسیر مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه) / جزوات موضوعی (استحاره، خانواده و اختلافات خانوادگی و علل عمده، حقوق مالی و عشریه، رفع شبهات با کزیده های از بیانات) / مکاتیب عرفانی (مجموعه پانچ به نامه ها) / مجموعه دستور العمل ها و بیانیه ها / شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم / گفت و گوهای عرفانی (مجموعه ی مصاحبه ها، عرفان دکار اداری، سلوک عرفانی در دوره مدرن) منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت [WWW.JOZVEHI21.COM](http://WWW.JOZVEHI21.COM) اقدام فرمایید.